

کونته، توخل و حالا آرتتا

چرا استفاده از عرض ۵ نفره در حملات تا این حد طرفدار دارد؟

نقش ۹ کاذب را داراست. اوبامیانگ در گوش سمت چپ قرار دارد. نیکولاس پیه، مهاجم دورگه ساحل عاجی – فرانسوی، اغلب در نیم فضای راست ظاهر می شود تا از ضربات داخل پای چپ خود به خوبی بهره ببرد. هکتور بیرین که در ترکیب اولیه بازی را به عنوان هافبک راست آغاز می کند و به هنگام دفاع در مقابل بازی را به عنوان هافبک چپ آغاز می کند و به هنگام دفاع هم تبدیل به مدافع چپ می شود، وظیفه بازی در نیم فضای چپ را دارد تا مدافع میانی سمت چپ حریف را به خود مشغول کند و فرصت به داخل زدن را برای اوبامیانگ فراهم کند. همچنین دیده می شود که آرسنال با اضافه کردن تیرنی، مدافع میانی سمت چپ خود به گوش چپ زمین، یک موقعیت دو در برابر یک را توسط تیرنی و اوبامیانگ با مدافع کناری حریف ایجاد می کند. این کار آرتتا شباهت زیادی به حرکت کونته در چلسی و اینتر دارد، با این تفاوت که آرتتا برخلاف کونته، Overlapping-centerback خود را به جای نیم فضاها در کناره ها به جلو می برد.

استفاده از عرض ۵ نفره در حملات چه اهمیتی دارد؟

چلسی ۲۰۱۷، منچستر سیتی ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ و لیورپول ۲۰۲۰. قهرمانان چهار سال اخیر رقابتی ترین لیگ دنیا، تیم هایی بوده اند که از عرض ۵ نفره در حملاتشان استفاده می کردند. این خود گواهی بر کاربرد این روش در فوتبال روز دیاست. اما علت بازدهی بالای این روش چیست؟ در فوتبال چندین منطقه حیاتی وجود دارد. ۳ تا از حیاتی ترین این فضاها، فضای بین هافبک ها و مهاجمان حریف، بین مدافعان و هافبک ها و همچنین بین مدافع کناری و میانی است. تیم ها در فاز دفاع در وهله اول سعی در بستن این فضاها دارند و ترجیح می دهند تا جناحین را آزاد بگذارند، اما اگر تیم حریف، مدافعان کناری تکنیکی که از قضا پاسورهای قهاری هم هستند (آرنولد و رابرتسن لیورپول) را تا جناحین شما بالا بیاورد، یا اگر مثل تیم های گواردیولا دوبازیکن بال خود را کاملاً در جناحین باز کند و از دو هافبک میانی برای حمله به نیم فضاها استفاده کند، آن گاه تکلیف چیست؟ تیم شما باید علاوه بر بستن کانال های مرکزی و نیم فضاها، جناحین را هم مسدود کند. تیم هایی که توانایی انجام این کار در جهان فوتبال را دارند، انگشت شمار هستند. شاید مشهورترین نمونه آنها اتلتیکو مادرید دیه گو سیموننه باشد. سایرین مجبور می شوند از بین جناحین یا نیم فضاها و کانال های مرکزی، یکی را کمتر مورد توجه قرار دهند، شما هم از همان فضا ضربه لازم را می زنید. گواردیولا، کلوپ، کونته، توخل و حالا هم مایکل آرتتا. تنی چند از مهم ترین تئوریسین های چند سال اخیر فوتبال دنیا در حالی از یک عرض ۵ نفره در حملاتشان کمک می گیرند که تیم هایشان آرایش های پایه متفاوتی را در ابتدای بازی با یکدیگر دارند و حتی از نظر نوع فوتبال هم تفاوت های بنیادین بین شان دیده می شود. (برای مثال کونته و آرتتا بیشتر فوتبال واکنشی ارائه می دهند اما پپ، کلوپ و توخل فوتبال عملگر بازی می کنند). با این حال همه این اسامی توانسته اند نتایج رضایت بخشی را با این شیوه تهاجمی به دست آورند. باید دید چه زمانی اساتید بازی دفاعی و فوتبال واکنشی، به راهکاری مناسب برای مقابله با آرایش ۵ نفره در حملات می رسند.

و یک آرایش ۳-۲ را در عقب زمین ایجاد می کنند، نقش مهمی در پوشش جای خالی overlapping-centerback دارند.

آرایش ۵ نفره تیم های توخل

توماس توخل که توانست جانشین خلفی برای یورگن کلوپ در دو باشگاه ماینتز و بوروسیا دورتموند باشد و در این فصل از رقابت های اروپایی هم تنها یک گام با کسب اولین چهارگانه تاریخ باشگاه پاری سن ژرمن فاصله داشت، در این تیم پاریسی از آرایش پایه ۳-۳-۴ استفاده می کند. سه نفر از عرض ۵ نفره او را نیمار، امپابه، دی ماریا یا ایکاردی تشکیل می دهند. اگر ایکاردی روی نیمکت بنشیند، نیمار در مرکز خط حمله و با شعاع حرکتی بسیار بالا قرار می گیرد و در بسیاری از بازی ها همانند بابی فیرمینو در لیورپول یا ژسوس یا برناردو سیلوا در منچستر سیتی، در نقش «۹ کاذب» ظاهر شده و به خط هافبک اضافه می شود. دی ماریا کاملاً در گوشه سمت راست زمین جای می گیرد و امپابه هم بیشتر به وسط زده و در نیم فضای چپ بازی می کند. از سمت چپ، خوان برنات به عنوان مدافع چپ رونده تا نیمه زمین حریف بالا می آید تا نفر چهارم عرض ۵ نفره را شکل دهد و سرانجام آندره اررا هم موظف است نیم فضای راست را مورد حمله قرار دهد و اینگونه ۵ نفر جلوی زمین تیم توخل تکمیل می شود. اگر مانوورو ایکاردی جایگزین «آنخلیتو» در خط حمله شود، نقش ها در سمت چپ زمین ثابت می مانند؛ امپابه در همان نیم فضای چپ و برنات هم در گوش سمت چپ. اما در جناح راست قصه تا حدی متفاوت می شود. در غیاب دی ماریا، اررا در گوش راست بازی می کند و ایکاردی بین دو مدافع میانی حریف در رأس خط حمله قرار می گیرد. از آنجایی که نیمار بازیکنی بسیار تکنیکی و پا به توپ است، انتقال او به گوش راست برای جایگزینی دی ماریا و محدود کردن او به یک ناحیه مشخص تصمیمی عقلانی نیست و توخل ترجیح می دهد ستاره برزیلی را در نیم فضای راست قرار دهد تا او بتواند گهگاهی هم به عقب آمده و در فاصله بین مدافعان و هافبک های حریف یا حتی هافبک ها و مهاجمانشان صاحب توپ شود. در این حالت اگر در برخی مسابقات مثل همین دیدار اخیر مقابل آتالانتا، پاریسی ها در شکستن خط اول و دوم پرس حریف دچار مشکل شوند، نیمار می تواند با توانایی های فردی خود دفاع حریف را باز کند و تیم را در موقعیت مناسب قرار دهد.

عرض ۵ نفره در تیم های آرتتا

مایکل آرتتا هافبک اسبق تیم های بارسلونا پی و سی، اورتو و آرسنال، در اواسط فصل گذشته وبعد از سه فصل مربیگری زیر نظر پپ گواردیولا، هدایت آرسنال بحران زده اونای امری را بر عهده گرفت. او بعد از هفته ها آزمون و خطا توانست از دل این اسکواد ناهمگون تیم آرسنال که با بازیکنان بسیار متوسطی پر شده، آرایش مورد نظر خود را پیدا کند. آرتتا تیمش را با آرایش پایه ۳-۴-۳ به زمین می فرستد. سه نفر از عرض ۵ نفره او را سه مهاجمش تشکیل می دهند که انتخاب های اول او برای این سه پست، اوبامیانگ، لاکازت و پیه اند. لاکازت در مرکز و بین دو مدافع میانی حریف بازی می کند و او هم در برخی مسابقات

علی کامانگری
Ali Kamangari

هفته گذشته در مورد به کارگیری روشی جدید در حملات توسط دو مربی مطرح دنیای فوتبال، پپ گواردیولا و یورگن کلوپ، صحبت کردیم: استفاده از یک عرض ۵ نفره در حملات. همچنین اشاره داشتیم که بهره گیری از این روش چیز جدیدی در دنیای فوتبال نیست و پیش تر در دهه ی ۳۰، ۴۰ میلادی توسط مربیانی چون هربرت چاپمن، وینتوریو پوتزو و گوژتاو سیس هم استفاده شده است و مربیان فعلی به نوعی از این اسامی الهام گرفته اند. امروز قصد داریم در مورد چگونگی استفاده از عرض ۵ نفره در حملات توسط سه مربی صاحب سبک دیگر، توماس توخل، آنتونیو کونته و مایکل آرتتا صحبت کنیم و به یک پرسش مهم پاسخ دهیم: به کارگیری این روش چه مزایایی دارد؟

آرایش ۵ نفره تیم های کونته

داستان تیم های کونته کمی عجیب تر است. او در چلسی از آرایش پایه ۳-۴-۳ استفاده می کرد و در اینتر از آرایش ۲-۵-۳ بهره می برد. در آبی های لندن، سه نفر عقب زمین را سه مدافع مرکزی چلسی تشکیل می دادند و جلوی آنها دو هافبک دفاعی (عمدتاً کانتنه و ماتیچ) که قابلیت بازیسازی خوبی داشتند، قرار می گرفتند. ویکتور موزس و مارکوس آلونزو به عنوان پیستون راست و چپ، دو جناح را اشغال می کردند، ویلیان و ادن آزار نیم فضای راست و چپ را مورد حمله قرار می دادند و دیه گو کاستا بین دو مدافع میانی حریف بازی می کرد. این آرایش شباهت زیادی به آرایش حال حاضر تیم لیورپول دارد، هر چند از نظر نحوه پرسینگ و ساختار بازی تفاوت های فاحشی میان دو تیم وجود دارد. در تیم اینتر و آرایش ۲-۵-۳ اش، کونته برای ایجاد عرض ۵ نفره مورد نظر خود، دو پیستون راست و چپ را لب خط باز می کند، روملو لولاکو بین دو مدافع میانی حریف بازی می کند، لاونتارو مارتینز نیم فضای چپ را مورد هدف قرار می دهد و نیکولا بارلا به عنوان یکی از سه هافبک میانی، به نیم فضای راست می زند. همچنین کونته برای ایجاد «overload» یا برتری عددی در یک سمت زمین، یکی از دو مدافع میانی کناری اش (دی امبروسیو یا باستونی) را در برخی صحنه ها به حملات تیمش اضافه می کند. به این مدافع میانی رونده «Overlapping-centerback» گفته می شود. در چنین موقعیتی، مدافعان میانی مذکور به نیم فضای سمت خود هجوم برده و پیستون آن سمت به همراه دیگر بازیکنی که قرار بود به نیم فضا بزنند (اما حالا مدافع میانی آن فضا را اشغال کرده) یک موقعیت ۲ در برابر یک را مقابل مدافع کناری تیم حریف ایجاد می کنند. کونته ابتدا با سزار آسیلی کوئتا در چلسی از این راهکار استفاده می کرد و حالا آن را با خود به اینتر هم آورده است. با توجه به حضور این مدافعان میانی در حملات، نیاز است که آنها سرعت بسیار بالایی داشته باشند تا در ضد حملات جا نمانند و به سرعت برگردند. همچنین سه هافبک میانی که جلوی دو مدافع میانی نفوذ نکرده اینتر بازی می کنند

طارمی چقدر شانس دارد در تیم پورتو فیکس بازی کند؟

مارگا، مهدی مارونگاه!



مترجم: رسول مجیدی

Rasoul Majidi

شهر ساحالی پورتو حالا در بندر بوشهر حساسی محبوب است. شهری که نامش اتفاقاً معنی ای شبیه به «بندر» دارد و حتی نام پرتغال هم از همین بندر پورتو ریشه گرفته. مهدی طارمی که فصل قبل عنوان آقای گلی مشترک لیگ فوتبال پرتغال را به دست آورد، حالا با یک انتخاب منطقی بار و بندیش را به مقصد پایتخت پرتغال بسته و قرار است فصل آتی عضوی از معروف ترین باشگاه این کشور باشد.

زندگی طارمی انگار با پرتغال گره خورده. تحت هدایت کی روش پرتغالی بود که مهدی طارمی فرصت بازی در ترکیب فیکس تیم ملی را یافت، بازی اش ارتقا پیدا کرد و به توصیه او لژیونر شد. بازی در لیگ پرتغال بود که از مهدی طارمی که داشت در لیگ قطر حیف می شد، ستاره ای ساخته که حالا تیم قهرمان پرتغال برایش فرش قرمز پهن کرده.

و البته بازی با تیم ملی پرتغال در جام جهانی بود که انتقادها از مهدی طارمی را به بالاترین حد ممکن رساند. آن فرصت لحظات آخری که از دست داد می توانست او را تبدیل به اسطوره اول فوتبال ایران در میان نسل جدید کند اما دست تقدیر، سرنوشت دیگری برای او رقم زد.

طارمی در بازی با تیم ملی پرتغال از چشم بسیاری از فوتبال دوستان ایرانی افتاد و با بازی در لیگ پرتغال

دوباره خودش را به منتقدین اثبات کرد و حالا آماده است تا به جنگ مهم ترین چالش زندگی اش برود؛ فیکس شدن در تیم قهرمان پورتو.

طارمی برای بازی در ترکیب اصلی پورتو البته کار آسانی ندارد. در لیست پورتو چندین و چند مهاجم حضور دارند و البته سیستم سرمربی تیم هم مهم است.

پورتو را در فصل پیش سرجیو کنسیسانو هدایت می کرد. مربی ای که از سال ۲۰۱۷ در این تیم روی کار آمده و با توجه به موفقیت هایش در فصل آتی هم روی نیمکت خواهد نشست. کنسیسانو در ۳ سال حضورش در لیگ پرتغال ۲ بار این تیم را قهرمان کرده و امسال موفق شد جام حذفی را هم برای خود کند.

سیستم مورد علاقه او در فصلی که به پایان رسید؛ ۲-۴-۴ است. سیستمی که البته در بازی های مهم تغییر شکل می دهد و ۱-۳-۲-۴ می شود.

به طور مثل کنسیسانو در بازی آخر لیگ مقابل اسپورتینگ براگا از سیستم تک مهاجمه استفاده کرد. در بازی با اسپورتینگ لیسبون هم دوباره پورتو با آرایش ۱-۳-۲-۴ در زمین حاضر شده بود اما در سایر بازی های فصل پورتو اساساً با چنین ۲-۴-۴ به زمین می رود. کنسیسانو البته تا قبل از آمدن طارمی هم مشکلی از لحاظ تعداد نفرات در تیمش نداشت. پورتو در لیستش مهاجمان زیادی دارد که مهم ترین شان موسا مارگا است. مارگا، شماره ۱۱ را می پوشد و بهترین مهاجم فصل پیش تیم بود. او ۱۲ گل در لیگ به ثمر رساند و نقش مهمی در قهرمانی پورتو داشت. مارگا که اصالتی مالیایی دارد، سریع است و فیزیکی و سن و سالی نزدیک به مهدی طارمی دارد؛ ۲۹ سال. او البته چند نقطه ضعف

مهم هم دارد: حفظ توپش ضعیف است. پاسور خوبی نیست و توان پیروزی در دونل های زمینی را هم ندارد. او بیشتر استاد توپ های هوایی ست.

رقیب بعدی طارمی، نیکوئینو سوارس است. مهاجم ۲۹ ساله برزیلی که در لیگ پارسال ۱۰ گل به ثمر رساند و ۲۰ بازی را به صورت فیکس بازی کرد. نقطه ضعف اصلی اش دونل های زمینی ست. او هم بیشتر قدرتی ست تا تکنیکی.

زی لوییس دیگر مهاجم نوک پورتو است. مهاجمی ۲۹ ساله که قدرت حفظ توپ خوبی دارد اما یار هم دسته اش را به خوبی پیدا نمی کند. زی لوییس در فصل پیش چند هفته ای مصدوم بود اما در مجموع آمار بدی از خود به جای نگذاشت؛ ۷ گل در ۱۹ بازی که فقط ۱۱ تایش را فیکس بوده.

وینسنت ابوبکر کامرونوی دیگر مهاجم تیم پورتو ست که فصل پیش خیلی بازی به او نرسید. ابوبکر ۲۸ ساله شماره ۹ تیم را می پوشد اما به نظر بزودی باید با این شماره و حتی پورتو خداحافظی کند.

به غیر از این مهاجمان؛ فرناندوی برزیلی هم که فصل پیش به صورت قرضی در لیگ ترکیه بازی می کرد به اردوی پورتو برگشته و باید دید قرار است در لیست کنسیسانو باقی بماند یا خیر.

و البته دو مهاجم ۲۰ ساله که سال گذشته از تیم جوانان پورتو به تیم اصلی اضافه شدند که هنوز شانس آچنانی برای بازی فیکس در تیم ندارند.

با نگاهی به سیاهه بالا و البته سیستم مورد علاقه کنسیسانو می توان حدس زد که مهدی طارمی برای رسیدن به ترکیب اصلی در صورت استفاده مربی از

سیستم مورد علاقه اش یعنی ۲-۴-۴ نمی تواند خیلی سخت باشد و او چنانچه همان کیفیت بازی اش در ریو آوه را در تمرینات به کنسیسانو نشان دهد، می تواند با موسا مارگا زوجی قدرتمند را تشکیل دهد اما چنانچه تیم بخواهد از سیستم تک مهاجمه استفاده کند آن وقت کار مهدی طارمی سخت خواهد شد. در تمام بازی های مهم این مارگا بوده که به عنوان مهاجم نوک به زمین رفته. نکته مهم البته این است که مهدی در تیم ملی دوره کی روش نشان داده می تواند پشت مهاجم و حتی به عنوان وینگر چپ هم به تیمش کمک کند

و این می تواند بازی همزمان او و مارگا حتی در صورت استفاده از سیستم

تک مهاجمه را هم عملی کند.

طارمی که زمانی در کوچه پس کوچه های محله شباب بوشهر دنبال توپ پلاستیکی بود حالا فرصت بی نظیری دارد که نه تنها دوباره

درخشش در لیگ پرتغال را تکرار کند، بلکه در لیگ قهرمانان هم در قالب یک تیم مدعی که یکبار قهرمان این رقابت ها شده پا به مسابقات بگذارد. مسابقات و ویتربنی که حتی می تواند او را به تیم های بزرگ تر قاره اروپا هم برساند.

